اخبار کارگری

یک فعال صنفی توضیح داد:

مسیر سخت بازنشستگی برای کارگران ساختمانی

یک کارگر بازنشسته ساختمانی گفت: بسیاری از کارگران ساختمانی مانند خودمن دچار بی‌نظمی و خلاء بیمه‌ای گسترده هستیم. برای مثال من و بخش قابل توجهی از همکاران ۴۰ سال کار ساختمانی کردیم اما تنها ۱۵ سال حق بیمه داشتیم و در نتیجه با مستمری کمتر از حداقل بگیر بازنشسته شدیم. برای رسیدن به سابقه ۱۵ سال نیز برخی از همکاران ما به قدری کسری سابقه دارند که گاه دو تا سه سال حق بیمه را خودشان از جیب واریز می‌کنند. حمید علایی در گفت‌وگو با ایلنا افزود: قبلاً سهم حق بیمه کارگر ساختمانی مانند سایر کارگران ۷ درصد بود ولی طی یک سال اخیر به حدود دو برابر (۱۳.۵ درصد) افزایش یافته است. سهم باقیمانده بیمه کارگران ساختمانی را هم دولت نمی‌دهد، بلکه از عوارضی که کارفرمایان ساختمانی به شهرداری می‌پردازند تامین می‌شود. در مواردی تامین اجتماعی مبالغ را از شهرداری می‌گیرد اما به دلیل کسری خود صرف امور جاری مانند حقوق و مستمری می‌کند و پرداخت بیمه کارگران ساختمانی عقب می‌افتد. علایی تاکید کرد: عوارض تخلفات ماده ۹۹ و ماده ۱۰۰ که در شهرداری از کارفرما اخذ می‌شود نیز به تامین اجتماعی پرداخت نمی‌شود. بخش زیادی از کارگران ساختمانی هم به واسطه اهمال تامین اجتماعی از لیست‌های بیمه‌ای حذف می‌شوند. خود شهرداری هم البته در ایجاد تاخیر از جنبه دیگری سهیم است. بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران ساختمانی از طریق پیمانکاری‌های شهرداری فعال هستند که به دلیل تسویه حساب دیرهنگام شهرداری‌ها با این پیمانکاری‌ها، آنها هم بیمه کارگران ساختمانی را بسیار دیر ردیر می‌کنند و همین موضوع باعث خلاء بیمه‌ای می‌شود. این کارگر ساختمانی بازنشسته خاطرنشان کرد: شهرداری‌ها در بخش فضای سبز هم نیروی کار بازنشسته را به‌طور گسترده‌ای به کار می‌گیرند. برخی از پاکبان‌ها نیز بازنشسته هستند. شهرداری در پاسخ به این اشکال معمولاً مقصر را پیمانکاران معرفی و از مسئولیت شانه خالی می‌کند در حالی که کارگر بازنشسته نباید کار بکند. شهرداری هم در این حوزه به راحتی می‌تواند نظارت و جلوگیری کند. این خطر وجود دارد که کارگر بازنشسته‌ای که شاغل است با مشکل قطع مستمری مواجه شود. وی در ادامه گفت: البته اینکه حقوق بازنشستگی کارگران ساختمانی کم است و بسیاری با حداقل حقوق و گاه کمتر از آن بازنشسته شده‌اند، باعث می‌شود که بخشی از آنها در سنین بالا نیز به سر کار بروند. کارگر بازنشسته‌ای که در سن ۶۰ سالگی بالای داربست می‌رود، بسیار بیشتر از کارگران جوان در معرض خطر سقوط و حادثه کار قرار دارد. کارگر آرماتوربندی که در سن بازنشستگی است، معمولا بیشتر حادثه می‌بیند. علایی در پایان بیان کرد: متاسفانه به دلیل بی‌توجهی دولت و ضعف تشکل‌های کارگری، انجمن‌های صنفی کارگران هم کارایی چندانی ندارند تا از حقوق کارگران ساختمانی و بازنشستگان این حوزه حمایت به عمل آورند. مسئولان نیز به زندگی کارگران ساختمانی توجهی ندارند.

کارگران آب معدنی داماش سه ماه حقوق طلبکارند

۳۰ کارگر شاغل آب معدنی داماش که تحت مسئولیت بخش خصوصی در منطقه جنگلی روستای توریستی داماش کار می‌کنند، سه ماه حقوق معوقه طلبکارند. یکی از این کارگران به ایلنا گفت: با احتساب همکاران بخش اداری و دفتر مرکزی کارخانه حدود ۳۰ نفر در آب معدنی داماش مشغول به کارند که از مهر ماه، ۴ ماه حقوق طلبکار بودند که روز دوشنبه یک ماه آن به حساب کارگران واریز شد. او گفت: به‌رغم پیگیری‌هایی که انجام دادیم مسئولان کارخانه می‌گویند که منابع مالی کافی برای پرداخت حقوق ندارند و ما در آستانه سال نو نگران افزایش میزان مطالبات مزدی خود هستیم. وی با بیان اینکه مشکلات معیشتی این ۳۰ کارگر به تبع عدم دریافت حقوق روزبه‌روز بیشتر می‌شود، تصریح کرد: این شرکت که در دل جنگل‌های روستای توریستی داماش واقع شده حدودا ۲۰ کیلومتر با محل سکونت کارگران فاصله دارد. کارگران در این فصل سرد سال که همه راه‌ها منتهی به محل کارشان به دلیل بارش برف و کولاک مسدود شده روزانه این مسافت را در روزهای تعطیل و غیر تعطیل برای تولید و محافظت از کارخانه پیاده‌روی می‌کنند که این نشان‌دهنده تعهد کارگران به کارخانه و محل کارشان است، بنابراین درست نیست که برای دریافت قانونی‌ترین خواسته‌هایشان بابی اعتنایی کارفرما مواجه شوند. وی ادامه داد: نباید کارگرانی که به امید آینده در زمان تعطیل و غیر تعطیل کارخانه از اموال آن محافظت می‌کنند، دچار بلاتکلیفی در تامین معاش شوند.

یک ماه پس از اعتراضات، بازارهای موبایل همچنان در خواب زمستانی است

کارگرانی که چوب و پیاز را باهم خوردند!

رضا اسدآبادی - سعید حسام‌الدینی

اعتراضات دی ماه سال ۱۴۰۴ پیش از رسیدن به بازار بزرگ تهران، با اعتصاب و تجمع در بازارهای موبایل پایتخت آغاز شد. ناتوانی اداره کسب‌وکارها و افت شدید فروش به دلیل افزایش ناگهانی نرخ ارز، از اصلی‌ترین دلایل شروع اعتراضات کاسبان و کارگران پاساژهای بزرگ فروش موبایل در مرکز تهران بود.

بعد از چند روز، تجمع و اعتصاب در بازارهای موبایل تهران اندک‌اندک فرونشست اما نارضایتی‌ها به آخر نرسید. آن زمان یک هفته کامل کار تعطیل بود اما بعد از گذشت چند هفته، رکود و بحران در بازار موبایل و واحدهای تجاری این محدوده، کماکان برقرار است.

به همین بهانه، در یکی از روزهای سرد ابتدای بهمن‌ماه و پس از گذشت چند هفته از اعتراضات، به این مراکز تجاری مانند پاساژ چارسو، علاالدین و... در منطقه زیر پل حافظ تهران رفتیم تا وضعیت کسب و کار را از زبان کارکنان و شاگردان این واحدهای تجاری جویا شویم.

مردم آن منطقه می‌گویند: اعتراضات از سوی کارگران، شاگردان و کارمندان واحدهای تجاری و نمایندگی‌های فروش شرکت‌های توزیع‌کننده تلفن همراه آغاز شده و صاحبان و مالکان واحدها نقش کمتری در شروع اعتراضات داشتند اما اکنون سایه ترس از اخراج در شرایط بحران اقتصادی و فشار کارفرمایان، دقیقاً بر سر همان معترضان، سنگینی می‌کند.

صحبتی با رسانه‌ها نداریم

زمانی که وارد پاساژهای فروش تلفن همراه و تجهیزات موبایل شدیم، با صحنه‌های عجیب و متفاوتی مواجه شدیم. پاساژهایی که همواره در بدترین شرایط اقتصادی، مملو از جمعیت خریدار بود، اکنون به قدری خلوت و خالی از جمعیت است که تعداد مغازه‌داران، شاگردان و کارمندان شرکت‌های فروش، از مشتریان بیشتر است!

اعتراضات از سوی کارگران، شاگردان و کارمندان نمایندگی‌های فروش شرکت‌های توزیع‌کننده تلفن همراه آغاز شده اما اکنون سایه ترس از اخراج دقیقاً بر سر همان معترضان، سنگینی می‌کند

بسیاری از کسبه، ساکت و بی‌صدا در گوشه‌ای نشسته‌اند. برخی درب واحدهای خود را تا نیمه بسته‌اند و در مقابل مغازه‌ها با همکاران خود، در مورد افق اقتصادی پیش‌رو و وضعیت کسب‌وکار صحبت می‌کنند اما اغلب همین افراد وقتی با تقاضای مصاحبه و گفت‌وگو مواجه می‌شوند، چند ثانیه نگاه‌مان می‌کنند و در نهایت یک پاسخ منفی و گاه تند و کوتاه می‌دهند: «صحبت نمی‌کنیم».

به‌نظر می‌رسید علت عمده این سکوت، بی‌اعتمادی به رسانه‌ها در شرایط قطعی اینترنت و فضای حاکم پس از اعتراضات است.

«علی» کارمند فروشنده یک نمایندگی شرکت وارد کننده تلفن همراه که با زحمت حاضر به صحبت با ما می‌شود، پس از اندکی سکوت می‌گوید: فضای بدی حاکم شده! من یک کارمندم و از بسیاری از مشکلات بازار موبایل خبر ندارم. از وضعیت بقیه واحدها هم چندان اطلاعی ندارم اما پس از اعتراضات و بازگشایی بازار، بسیاری از همکاران از اخراج و تعدیل نیرو می‌ترسند.

این شاغل طبقه دوم پاساژ موبایل چارسو می‌افزاید: البته الان هم از برخی واحدهای همسایه شنیده‌ام که نیرو اخراج کرده‌اند ولی در کل هنوز تعدیل نیروی وسیع رخ نداده... با این روند بازار، احتمالاً عذر بسیاری از همکاران ما در ماه آینده یا قبل از عید خواسته می‌شود.

«میلاد» همکار او در همان واحد می‌گوید: بعد از اعتراضات، فروش کم شده و شاید کمتر از نصف روزهای قبل از دی ماه مشتری داریم. این رکود اثرش را بعداً می‌گذارد. الان ظاهراً شرایط آرام است ولی گرانی دلار ادامه دارد. وضع کارمندهای واحدهای نمایندگی اندکی بهتر است و بیشتر نیروها بیمه هستند اما واحدها و مغازه‌های مستقل اغلب از شاگردانی استفاده می‌کنند که بیمه نیستند و امنیت شغلی هم ندارند.

او ادامه می‌دهد: بسیاری از شاگردان واحدهای تجاری بعد چندماه کارآموزی، اخراج می‌شوند و آنهایی که می‌مانند حقوق ۱۵ میلیون تومانی دریافت می‌کنند اما در برخی واحدهای بزرگ که کارمند دارند، برخی حقوق‌ها تا بیش از ۳۰ میلیون هم می‌رسد. میانگین سنی اغلب جوانانی که اینجا کار می‌کنند بین ۱۸ تا ۲۵ سال است. افراد بالای ۳۰ سال معمولا وقتی کار را یاد می‌گیرند و سرمایه‌ای از خود و خانواده یا با وام جور می‌کنند، خودشان مغازه اجاره می‌کنند تا استثمار نشوند!

«حمید» شاگرد مغازه کوچکی در طبقه اول پاساژ چارسو می‌گوید: مغازه‌ها عمدتاً تعدیل نیرو نداشتند ولی فروش حدود یک سوم شده... درباره وضعیت حقوقی و اخراج در مغازه‌های دیگر خبری ندارم. فعلاً برخی صاحبان واحدها در برابر اخراج کردن شاگردان مغازه‌ها و نیروهای خودشان مقاومت می‌کنند تا کسی را از نان خوردن نیندازند اما معلوم نیست این وضعیت چقدر ادامه داشته باشد.

شواهد نشان می‌داد، خطر اخراج در این شرایط جدی است. خانم جوان کارمند نمایندگی یک شرکت موبایل بزرگ چینی که به معرفی گوشی‌های میان‌رده مشغول بود، در پاسخ به سوالات ما که حساسیت خاصی نداشت، گفت: بعد از این شرایط (که احتمالاً منظورش اعتراضات بازار بود) نمی‌توانم صحبت کنم چون کارفرما احتمالاً عصبانی می‌شود. فقط می‌گویم که وضعیت خیلی خراب است.

یک مرد مسن شاغل در بخش خدمات چارسو نیز که به سرعت در حال کار است، گفت: نیروهای خدماتی چارسو در این شرایط حدود ۴۰ نفر هستند. بیشتر به صورت ۲۴-۱۲ خدمت می‌کنند. یعنی یک روز کامل کار می‌کنند و فردای آن روز از شب کار آنها شروع می‌شود. نصف بیشتر نیروهای خدماتی افراد سن بالایی هستند که سابقه بیمه کامل ندارند و می‌خواهند سابقه خود را کامل کنند. عمده نیروهای ما حدود ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند و با وجود کارهای سختی که دارند، امکان استراحت ندارند.

پاساژها البته از کودک کار نیز خالی نیست. برخی کودکان کار برای واحدهای تجاری به‌عنوان پیک غذا می‌آورند. در هنگام خروج از چارسو با صحنه دیگری مواجه شدیم. نوجوانی که مدعی بود ۱۳ سال دارد و به نظر نمی‌رسید به این سن هم رسیده باشد، نزدیک درب ورودی اصلی پاساژ با ما صحبت کرد.

او روزانه ۴ ساعت نزدیک پاساژها تبلیغات رستوران پخش می‌کند و می‌گوید: پس از پایان کار پخش تبلیغات، از ساعت ۱۱ ظهر تا ۱۱ شب در سالن یک رستوران کار می‌کند و سر جمع با پخش تبلیغات، ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد. این کودک کار تاکید داشت که مدتی است ترک تحصیل کرده است.

چراغ «علاءالدین» همچنان کم‌سو!

در ادامه وارد پاساژ معروف علاءالدین می‌شویم، جایی که اعتراضات از آنجا شروع شده است. وضعیت با قبل دی ماه کاملاً متفاوت است و رکود در بازار کاملاً مشهود است. طبقات دوم و سوم تا ششم این پاساژ که همواره مملو از جمعیت بود و افراد برای خرید می‌آمدند، این روزها به راهروهایی بسیار خلوت بدل شده است.

در ابتدای ورود، تغییر حس و حال افراد مشهود است. وقتی از یک نگهبان و دو شاگرد مغازه در گپی دوستانه و بدون معرفی خود به عنوان خبرنگار، از اوضاع پرسیدیم و سوال کردیم «چرا بازار هنوز راکد است؟» پاسخ دادند که «نمی‌دانیم!» این در حالی است که هم ما و هم آنها دلایل رکود را می‌دانستیم!

نیروی کاری که در دوران رونق، سهمی از سود فراوان بازار نداشتند، در شرایط بحران تحت انواع فشارها قرار دارند. گویا «خوردن همزمان چوب و پیاز» درباره این بخش از نیروی کار جوان، امروز به درستی صدق می‌کند

شاگردان واحدهای تجاری در نبود صاحبان مغازه که معمولاً واحد را اجاره داده و به نیروهای خود می‌سپارند، اغلب بیرون مغازه ایستاده و منتظر مشتری بودند. بیکاری تعداد زیادی از کارمندان و شاگردان نمایندگی‌ها و واحدهای تجاری، گردنگرانی را در فضا پراکنده است. برخی از عدم وجود هرگونه امنیت شغلی در این شرایط می‌گویند.

موضوع قابل توجهی که سه طبقه بالایی علاءالدین را متفاوت از گذشته نشان می‌دهد، نبود پلاکاردها و کاغذهای بزرگی است که پیش از این همیشه روی ویترین یا دیوار اغلب واحدها، به چشم می‌خورد: «تک‌فروشی نداریم»، «فقط عمده‌فروشی» و....

حالا اغلب واحدهایی که سابقاً تجهیزات تلفن همراه، قطعات، اکسسوری و شارژر و قاب و گلس را به صورت عمده می‌فروختند، این کاغذها و پلاکاردها را برداشته‌اند؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد ناشی از التهاب در بازار موبایل باشد!

یک شاگرد مغازه به نام «حسین» در طبقه دوم علاءالدین می‌گوید: قطعی اینترنت خیلی به ما فشار می‌آورد. خودمان هم در مغازه به دلیل نبود اینترنت مشکل داریم. این قطعی روی فروش تاثیر می‌گذارد. در شرایط رکود بازار، خرده سرگرمی ما کار با اینترنت بود که آن را هم گرفتند!

«پدرام» شاگرد یک مغازه در علاءالدین بعد از اینکه در ابتدا به دلیل دستگیر شدن دوستش در یکی از مغازه‌های این مجتمع، نسبت به مصاحبه بی‌علاقگی نشان می‌دهد، با اصرار بیشتر ما سر حرف را باز کرد و گفت: من این ماه حقوق نگرفتم و صاحب مغازه گفته که احتمالا تا نیمه بهمن خبری از حقوق نیست چون واحد فروش ما یک هفته کار نکرده و الان هم کسب و کار خوابیده! او که می‌گوید چند سال است که بیمه نشده، اضافه می‌کند: همکار من که پسری ۱۹ ساله و کارآموز بود و از طریق آشنای صاحب مغازه معرفی شده بود، یعنی پارتی داشت، عذرش را خواستند.

سرنوشت نامشخص هزاران شغل در پایتخت

به نظر می‌رسد با توجه به تعداد زیاد پاساژهای تجاری فروش موبایل در منطقه تقاطع حافظ و جمهوری، هزاران نفر در این منطقه اشتغال داشته باشند که با توجه به شرایط حقوقی نیروی کار، امنیت شغلی آنها در هاله‌ای از ابهام است. وضعیت بازار پس از اعتراضات و پس از حذف ارز ترجیحی، البته بهانه‌ها برای اخراج‌ها تقویت کرده است.

آنچه روشن است، این واقعیت تلخ است که شاگردان، کارمندان و نیروهای کار فعال واحدهای تجاری این محدوده که با دغدغه اقتصادی وارد اعتراضات هفته اول دی‌ماه امسال شدند، امروز وضعیت حقوقی و امنیت شغلی خود را در معرض خطر می‌بینند و شلاق اخراج بالای سر آنها جولان می‌دهد. نیروی کاری که در دوران رونق، سهمی از سود فراوان بازار مکاره نداشتند، امروز در شرایط بحران نیز تحت انواع فشارها قرار دارند. گویا ضرب‌المثل «خوردن همزمان چوب و پیاز» درباره این بخش از نیروی کار جوان جامعه ایران، امروز به درستی صدق می‌کند!

گفت و گو

هشدار یک کارشناس درباره تبعات افزایش فقر و تنش‌های اجتماعی

قطع اینترنت، افراد با درآمد موقت را به سرعت به زیر خط فقر می‌کشاند

یک تحلیلگر اقتصادی با اشاره به اینکه اتفاقات اخیر، وضعیت اقتصادی کشور را بدتر و هزینه‌های غیرمترقبه‌ای برای دولت ایجاد کرد، افزود: دولت با کسری بودجه درگیر بود و منابع درآمدی نداشت. ناآرامی‌های اخیر هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای را روی دست دولت گذاشت و ممکن است به خلق پول منجر شود.

«فرشاد فاطمی» در گفت‌وگو با اقتصادنیوز گفت: هرجا ناامنی وارد شود، عملاً امکان برنامه‌ریزی را از بین می‌برد و فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند. این ناامنی‌ها اکنون با محدودیت‌هایی در فضای اینترنت هم همراه شده و صرف‌نظر از منشأ آن، فرصت‌ها و انگیزه‌های اقتصادی به شدت کاهش یافته‌اند. به همین دلیل، سیاست‌گذار باید با سرعت، عمل و تلاش کند میزان ناامنی‌ها را کاهش دهد.

وی ادامه داد: مسأله امروز دیگر فقط سرمایه‌گذاری بلندمدت نیست

و حتی صاحبان کسب‌وکار برای برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت با مشکل مواجه هستند. این شرایط، فضای کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی را به شدت دشوار کرده است. در چنین شرایطی که معمولاً تمرکز بر کسب‌وکار است، خانواده‌ها نیز در اتخاذ تصمیم‌های ساده روزمره با دشواری مواجه می‌شوند و در تصمیم‌هایی مثل خرید مایحتاج غیرضروری یا تصمیم‌های بلندمدت‌تر، مانند خرید خودرو و مسکن، با چالش مواجه می‌شوند. از این منظر، ناامنی و ریسک، لطمه بزرگی به اقتصاد وارد می‌کنند.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: واقعیت این است که این اتفاق در شرایطی رخ داده که وضعیت اقتصادی کشور بدتر از قبل شده و به‌دلیل جهش نرخ ارز یک‌سری ناامنی وارد شد و نرخ سرمایه‌گذاری طی تقریباً یک دهه گذشته منفی بوده و شاخص‌های رفاهی خانوار هم وضعیت مطلوبی ندارند. درست است که این یک شوک است اما مهم است که بدانیم این شوک در چه سطحی از رشد اقتصادی وارد می‌شود و در وضعیت فعلی می‌تواند اثر شدیدتری داشته باشد. به‌طور ساده، تصور کنید کسب‌وکارهای اینترنتی که زندگی متوسط بسیاری از افراد به آنها وابسته است به دلیل قطعی اینترنت برای دو تا سه هفته دسترسی به منبع درآمد خود را از دست داده‌اند. این گروه‌ها خیلی سریع ممکن است به زیر خط فقر سقوط کنند. هرچند برای کسب‌وکارهای بزرگ هم نگرانی وجود دارد اما نگرانی اصلی برای افرادی است که درآمد ثابت ندارند و درآمدهای موقت‌شان دچار اختلال شده و این افراد ممکن است به سرعت به زیر خط فقر سقوط کنند.

فاطمی اظهار داشت: کسب‌وکارهای کوچک و کارگران روزمزد که به دلیل رکود یا ناامنی‌ها که وجود دارد ممکن است شغلشان از بین رفته باشد، در معرض آسیب بیشتری قرار دارند و آسیبی که می‌بینند از جنس حیات و ممات و از جنس قرار گرفتن در نقطه فقر است و بسیار آزاردهنده خواهد بود. این اقتصاددان در پایان و در تحلیل چشم‌انداز آتی اقتصاد ایران گفت: احتمالاً شاهد خروج شدیدتر سرمایه خواهیم بود. در بلندمدت، این وضعیت می‌تواند نگرانی‌ها درباره کسب‌وکارها را افزایش دهد. هرچند کسب‌وکارها مشکلات کوتاه‌مدت هم دارند اما منظر کلی داستان تغییر می‌کند و اگر فقر همراه با تنش‌های اجتماعی که پیشتر شاهد آن بودیم افزایش یابد، فضای سیاست‌گذاری محدودتر می‌شود و فشارهای اقتصادی بر مردم می‌تواند از وضعیت فعلی نیز بدتر شود.

برخی زنان سرپرست خانوار برای ثبت‌نام کالابرگ مشکل دارند

وجود سامانه‌های متعدد برای ثبت‌نام کالابرگ، متقاضیان ثبت‌نام را سردرگم کرده و برخی از سامانه‌ها از جمله سامانه ثبت احوال کشور، در مواقعی قطع است و استعلام گرفتن ممکن نیست. تعدادی از یارانه‌نگیرها که عمدتاً خانم هستند، در تماس با ایلنا از دشواری‌های ثبت‌نام کالابرگ و سردرگمی در سامانه‌ها انتقاد کردند. یکی از این خانم‌ها که به تازگی از همسرش جدا شده، می‌گوید: هنگام ثبت‌نام به من اعلام شد شما سرپرست خانوار نیستید اما از طریق سامانه ثبت احوال هم به جایی نرسیدم و نتوانستم اطلاعات خودم را به عنوان سرپرست خانوار وارد کنم. او ادامه داد: در ماه‌های قبل هم یارانه نقدی خودم را با هزار منت و چک و چانه از همسر سابقم گرفتم. صد بار زنگ زدم و درخواست کردم تا مبلغ را به حساب من منتقل کرد. این زن می‌گوید: با کار پاره‌وقت در یک آرایشگاه زنانه، ماهی ۱۰ میلیون تومان هم درنمی‌آورم. من به کالابرگ نیاز دارم، هرچند رقم آن ناچیز است و چاله چوله‌های زندگی آدم را پر نمی‌کند. یک خانم دیگر از مشکل متفاوتی خبر می‌دهد. او که بعد از فوت همسرش سال‌هاست یارانه‌اش قطع شده، حالا متقاضی دریافت کالابرگ یک میلیون تومانی‌ست اما نتوانسته ثبت‌نام کند. او می‌گوید: در سامانه‌ها به جای دهک من یک خط تیره آمده یعنی من را اصلاً دهک‌بندی نکرده‌اند در حالی که سال‌ها قبل فوت همسر من در سازمان ثبت احوال ثبت شده است. من در این سال‌ها یارانه نقدی را نمی‌خواستم چون رقمش ناچیز بود اما حالا به کالابرگ نیاز دارم. این خانم سرپرست خانوار زمانی که در سامانه با پیام «شما سرپرست خانوار نیستید» مواجه شده، در ثبت احوال هم نتوانسته اطلاعات خودش را به عنوان سرپرست خانوار وارد کند و احتمالاً باید حضوری به دفاتر پیشخوان مراجعه کند. او از این روند سامانه‌بازی که نوع جدیدی و پردردسری از کاغذبازی‌های سابق است، انتقاد دارد و می‌گوید: چرا در تمام این سال‌ها که همسرم فوت شده من را به عنوان سرپرست خانوار ثبت نکردند و چرا دهک‌بندی نشدم؟ مگر اطلاعات خانواده‌های ایرانی و شهروندان نباید به روز باشد؟ حتماً باید هر فرد چندین بار درخواست بدهد تا اطلاعاتش را به‌روز کنند و حقوقش را به رسمیت بشناسند؟!

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شناسه آگهی: ۲۰۹۳۸۹۲

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۵۸۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک ، کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۳۱۷ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم فاطمه حاج نوروزی فرزند محمد مهدی به شماره شناسنامه ۲۱۸ و کد ملی ۰۴۹۱۳۹۰۴۵۹ صادره از ری در ششدانگ اعیان یکبابخانه به مساحت ۵۹۳/۹۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۱ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین که عرصه مورد تقاضا طبق سند شماره ۲۱۷۲۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۱ آبیک حوزه ثبت ملک آبیک قریه زرگر می باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، مبادرت به تقدیم دادخواست. در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند ، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

علی مافی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شناسه آگهی: ۲۰۹۳۸۹۵

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۵۸۶۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک، کلاسه ۴۴۳۴۹۴۳۹۸۴۴۵۱۳۹۵۰۸۳۰۰۱۸۶ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای رحیم برزگر اینانلو فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۵۷ و کد ملی ۵۰۸۹۳۰۰۱۸۶ صادره از آبیک در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۲۷۱/۰۲ قطعه ۲۰ پلاک شماره (بشرح نقشه‌های بانک کاداستر) ۴۴ اصلی واقع در قریه دبیریان بخش ۱۵ مترمربع بخش ۱۵ حوزه ثبت آبیک قریه دبیریان می باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی عنایت اله خسرونژاد به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میگردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض . مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند ، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

علی مافی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی

شناسه آگهی: ۲۰۹۳۹۷۶

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۵۸۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک، کلاسه ۴۴۳۵۱۴۳۹۸۵۱۰۱۳۹۵۰۸۹۸۳۱۴۵۹ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای محمد برزگر اینانلو فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱ و کد ملی ۵۰۸۹۸۳۱۴۵۹ صادره از آبیک در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۵۹/۰۲ قطعه ۳ پلاک شماره (بشرح نقشه های بانک کادستر) ۴۴ اصلی واقع در قریه دبیریان بخش ۱۵ متر مربع بخش ۱۵ حوزه ثبت آبیک قریه دبیریان می باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی عنایت اله خسرونژاد به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

علی مافی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شناسه آگهی: ۲۰۹۰۰۰۵

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۵۰۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک، کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۰۹۳ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی شرکت آب و فاضلاب استان قزوین به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۱۱۷۶۰ در ششدانگ یک حلقه چاه به مساحت ۳۱۵/۱۲ مترمربع در پلاک ۵۲فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۱۶ حوزه ثبت آبیک قریه جزمه (تازه‌آباد) میباشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی آقای ترابعلی جباری به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میگردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض . مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند ، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

علی مافی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیک